



خواندنی

زنی هشت سال را در فرودگاه گذراند

به گزارش جام جم آنلاین از طولانی در آنجا ماندگار شد. اسپوتنیک، زنی هشت سال را این زن آپارتمان خود را اجاره در فرودگاه بین المللی سنگاپور داد. او به امکانات خوب فرودگاه گذراند. بر خلاف همسایگان این زن که عادت کرده است؛ خنک بودن به دلیل مشکلات مسکونی و سالن فرودگاه، غذاخوری و سوپرمارکت، استفاده رایگان زن نامبرده یک آپارتمان سه از حمام و وی فای. خوابه در محله مجاور شهر دارد. او قصد دارد آپارتمان خود در سال ۲۰۰۸ میلادی پس از بحران مالی، وی با کمبود پول فرودگاه را ترک کند. علاوه مواجه شد و تصمیم گرفت بر او، حدود ۱۰ نفر دیگر به دوران سخت را در فرودگاه طور دائم در فرودگاه بین المللی بگذراند و در نتیجه سال های سنگاپور سکونت دارند.

سعید نیکپور در آستانه ۷۱ سالگی از خاطراتش می گوید: علاقه‌ام به تاریخ اتفاقی نیست

پیش از آن فقط یک هنرستان هنرپیشگی داشتیم که به علاقه‌مندان، دیلم این رشته را می‌داد. من آن موقع در مقطع ششم دبیرستان درس می‌خواندم، اما به دلیل علاقه‌ای که به هنر داشتم، به صورت شبانه در کلاس‌های هنرستان شرکت می‌کردم و درش را می‌خواندم. در آن دوران من، علی حاتمی و هوشنگ مرادی کرمانی هم‌کلاس بودیم. سپس در دی ماه سال ۴۳، این دانشکده در خیابان ژاله سابق تأسیس شد. من و علی کنکور دادیم و پذیرفته شدیم، اما هوشنگ راهش را عوض کرد و رشته ادبیات انگلیسی را انتخاب کرد. ما اولین دانشجویان آن دانشگاه بودیم و جز ما افراد شناخته شده زیادی چون محمدعلی کشاورز، رکن‌الدین خسروی، ابراهیم مکی، ابراهیم فروزش و عده‌ای دیگر هم قبول شده بودند.

از چهل گیس تا سلطان صاحبقران

کار حرفه‌ای‌ام را از دوران قبل از انقلاب آغاز کردم. در آن دوران گرچه هنوز دانشجوی بودم، در تئاترهای تلویزیونی بازی می‌کردم و در بالغ بر ۳۰ تله‌تئاتر بازی کردم که بعضی‌هایشان در سال‌های بعد از انقلاب هم از تلویزیون پخش شدند. همان موقع، علی حاتمی نمایشنامه‌ای نوشت با نام چهل گیس. این نمایشنامه را استاد تاریخ و هنر دانشکده‌مان خانم زهرا خواجهنوری کارگردانی کرد. من نقش اول را بازی می‌کردم و شاهرزاده‌ای بودم که سوار بر اسب به دنبال چهل گیس می‌گردد. بعد سرباز‌ام را تمام کردم تا سال ۵۱. علی می‌خواست سلطان صاحبقران را بسازد و در کنار ستاره‌های بزرگ آن کار، من هم برای بازی در نقش میرزا رضای کرمانی انتخاب شدم. جالب این که من جزو معدود کسانی بودم که قرار شد در طول کار با صدای خود صحبت کنم و در ۲۷ سالگی برای اولین بار اتاق دوبلاژ را دیدم و با دوبله‌های بزرگ آن دوران آشنا شدم. ماجرایش هم این‌طور اتفاق افتاده بود که گویا صدای مرا برای مرحوم عزت‌الله مقبلی گذاشته بودند تا نظر بدهد. او گفته بود (من) صدایم ناآشناست و چون هیچ‌کس نشنیده، برای مردم تازگی دارد، پس بهتر است خودم حرف بزنم. در آن سن برآیم اتفاق بزرگی بود.

روتی دوباره تلویزیون با امیرکبیر

بعد از انقلاب، تلویزیون با مدتی وقفه مواجه شد و بعد دوباره جان گرفت. من هم از آنجا که از سال‌ها قبل تجربه کار داشتم، طرح مجموعه‌ای را دادم با نام قرن سرنوشت که از زمان جنگ‌های ایران و روس تا انقلاب اسلامی را در برمی‌گرفت و زندگی افراد مهم و شخصیت‌های تاثیرگذار هر دوره را بررسی می‌کرد. طرح را نوشتم و مورد استقبال شبکه یک واقع شد. خودم هم

سعید نیکپور، بازیگر محبوب، گزیده کار و دور از حاشیه سینما و تلویزیون ایران است؛ بازیگری که کار حرفه‌ای‌اش را از سال‌های ابتدای جوانی و بازی در تئاتر آغاز و بعدها با همکاری رفیق شفیق و چیره‌دست‌ش زنده‌یاد علی حاتمی به تلویزیون راه پیدا کرد و این ورود، چنان ادامه‌دار و ماندگار شد که حتی امروز بسیاری از مخاطبان، او را با عمده نقش‌هایش در مجموعه‌های تلویزیونی گوناگون به یاد می‌آورند. نیکپور به یادماندنی‌ترین بازیگر نقش امیرکبیر در تلویزیون است و علاوه بر آن در مجموعه‌های تاریخی دیگری چون امام علی (ع)، عمارت فرنگی، در چشم یاد و معمای شاه به نقش آفرینی پرداخته است. امیرکبیر تلویزیون، امسال ۷۱ ساله می‌شود و جالب این که دی ماه سال ۱۳۲۴ است و به مناسبت تولدش از خاطره‌هایش، ورود به عالم بازیگری و تجربیات کسب شده در این راه می‌گوید.

احساس سرحالی در میانسال

خیلی‌ها وقتی مرا می‌بینند، می‌گویند ۳۰ سال بیشتر نداری! (می‌خندد) اما واقعیت این است که من متولد ۲۲ دی ماه سال ۱۳۲۴ هستم و امسال ۷۱ ساله می‌شوم. از این اتفاق خوشحالم و از ۷۱ سالگی‌ام احساس سرحالی و راحتی می‌کنم. احساس می‌کنم در این سن، فکرم درست‌تر از پیش کار می‌کند و این قدرت را پیدا کرده‌ام که برخی اشتباهات گذشته را تکرار نکنم، لذا روحیه خوبی دارم و به آن خلاء که برخی با بالا رفتن سنشان و در میانسالی پیدا می‌کنند، معتقد نیستم.

خانواده‌ای هنردوست اما مذهبی

در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. پدرم هم مدرسه مروی تهران بود و فقه درس می‌داد. من و برادرم تنها نوه‌های او بودیم. با این حال اجازه داشتیم مسیر زندگی‌مان را خودمان انتخاب کنیم. بعد از این که به تئاتر علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم مسیر حرفه‌ای زندگی‌ام را در این راه ادامه دهم، با پدرم صحبت کردم. او نه تنها ممانعتی نداشت، بلکه تشویقم کرد. پدرم به موسیقی علاقه داشت و ویلون می‌زد. می‌گفت موسیقی علم است. من هم علاقه‌مند به موسیقی بودم، اما شنیدنش را بیشتر دوست داشتم، درحالی که به نظرم تئاتر، هنری عملی‌تر بود و از همان زمان دبیرستان، کتاب‌های مرتبط با این رشته را می‌خواندم.

ورود به دانشگاه: دوستی با مرحوم حاتمی

از مقاطع خوب زندگی‌ام، تشکیل دانشکده هنرهای دراماتیک در ایران است.

با اپلیکیشن ISACO وصل به اصل هستید.

اصیل بخیدل

قطعات اصلی محصولات ایران خودرو را در بسته‌بندی ایساکو با پرچسب اطمینان (هولوگرام) ضد تقلب از نمایندگی‌ها و فروشگاه‌های مجاز در سراسر کشور با قیمت یکسان تهیه نمایید.

www.isaco.ir
تأمین قطعات | تضمین خدمات

۲۲۳۴۹